

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Evaluation of the Effect of Physical Components on Place Attachment in
Communal Spaces of Selected Residential Complexes in Tehran
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دلبستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران

روح‌اله رحیمی^۱، مجتبی انصاری^{۲*}، محمدرضا بمانیان^۳، محمدجواد مهدوی‌نژاد^۴

۱. دکتری معماری، استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
۲. دکتری معماری، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۳. دکتری معماری، استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۴. دکتری معماری، دانشیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۲ تاریخ اصلاح: ۹۸/۰۵/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۷/۰۶ تاریخ انتشار: ۹۹/۰۲/۰۱

چکیده

بیان مسئله: با گسترش جوامع انسانی و ارتقای نیازهای اجتماعی بشری، ضرورت حضور در فضاهای جمعی و شناسایی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر ارتقای حس دلبستگی به مکان، جهت انجام برخی از فعالیت‌های انسانی از اهمیت زیادی برخوردار شده است. از بین رفتن حس دلبستگی، جدایی افراد از یکدیگر و کمبود تعاملات اجتماعی در کنار سایر معضلات شهری حاصل دید مدرنیستی به فضا است.

هدف تحقیق: طبقه‌بندی مؤلفه‌های کیفی سازنده فضاهای جمعی در مجتمع‌های مسکونی با تراکم متوسط شهر تهران و استخراج مؤلفه‌های کیفی کالبدی، فعالیت‌ی و ادراکی و ارزش‌گذاری آنها در مقیاس مجتمع مسکونی و همچنین نحوه و میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های کالبدی در ایجاد حس دلبستگی به مکان هدف اصلی این پژوهش است.

روش تحقیق: روش این پژوهش، ترکیبی کمی-کیفی است. به کمک راهبرد علی-مقایسه‌ای، میزان تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضاهای جمعی مسکونی بر حس دلبستگی ساکنان بررسی شد. به منظور انجام آزمون تجربی و مطالعات پیمایشی، پس از برداشت میدانی براساس مقیاس، طبقه و شکل هم‌نشینی فضای باز و بسته، گونه‌های متفاوت مجتمع‌های مسکونی انتخاب و از طریق بازدیدهای منظم روزانه به شیوه ثبت رفتاری و تکمیل ۳۶۱ پرسشنامه به همراه تحلیل (رگرسیون) چند متغیره از طریق راهبرد همبستگی و تحلیل مطالعات کمی با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۱۹، به آزمون چندین مؤلفه و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری استفاده‌کنندگان پرداخته شد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کالبدی اعم از «انسجام و وحدت»، «محرمیت»، «مدیریت تسهیلات و نظارت»، «عناصر طبیعی و سبز»، «غنا بصری» و «قابلیت جهت‌یابی و خوانایی» به ترتیب اولویت، بیشترین تأثیرگذاری را بر حس دلبستگی به مکان دارند. بنابراین طراح به عنوان خالق فضا با انتخاب مقیاس و چیدمان بلوک‌ها توأمان با طراحی ساختار فضاها منجر به تغییر در میزان حس دلبستگی افراد ساکن در آینده می‌شود.

واژگان کلیدی: حس دلبستگی به مکان، کالبد، مجتمع مسکونی، فضای جمعی.

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۰۱۷۴۶۵، ansari_m@modares.ac.ir

مقدمه

کنار جمع‌بودن، مستلزم وجود فضاهای جمعی معین است (محمدی و آیت‌اللهی، ۱۳۹۳، ۸۰).

بدین منظور این پژوهش در جستجوی تبیین نظریه‌ای مبتنی بر شناسایی نقش عوامل کالبدی در ایجاد دل‌بستگی به مکان و سنجش این حس در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی با تراکم متوسط شهر تهران است. سؤال اصلی پژوهش، فهم بین‌الگوهای کالبدی و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب است. در این راستا سؤالات پایه‌ای زیر مطرح می‌شوند: مؤلفه‌ها و شاخص‌های کالبدی مؤثر در ایجاد حس دل‌بستگی به مکان کدامند؟ شدت تأثیر هر یک از مؤلفه‌ها برای شکل‌گیری حس دل‌بستگی به چه میزان است؟ و در روند تأثیرگذاری کالبد بر ذهن انسان، رابطه فرم به عنوان یکی از سه متغیر ایجاد دل‌بستگی به مکان با دو متغیر فعالیت و ادراک چگونه است؟

از این‌رو با توجه به موضوع اصلی تحقیق، بنیان سؤالات و اهداف بیان شده، فرضیه‌هایی در قالب عبارات زیر ارائه شده است:

۱. مؤلفه‌های فیزیکی و فرم اثر معماری، دارای پتانسیل ایجاد حس دل‌بستگی به مکان و تضعیف حس لامکانی است.

۲. متغیر کالبد نسبت به دو متغیر فعالیت و ادراک، تأثیر بیشتری در شکل‌گیری حس دل‌بستگی به مکان دارد.

تفاوت این پژوهش با پژوهش‌های گذشته، کنکاش در استخراج شدت تأثیر و اولویت‌بندی هر یک از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شکل‌گیری حس دل‌بستگی به مکان به طور خاص در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی با تراکم متوسط شهر تهران به عنوان فضاهای نیمه‌عمومی - نیمه‌خصوصی شهری در کنار دیگر متغیرهای مؤثر و میانجی است.

پیشینه تحقیق

فرایند حس دل‌بستگی ابتدا مورد علاقه روانشناسان کودک و مطالعات اولیه در خصوص دل‌بستگی کودک به مادر بود. سپس روانشناسان رشد در مراحل بعدی زندگی فرد، حس دل‌بستگی را مورد مطالعه قرار دادند (بشارت، کریمی و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۶).

براساس مطالعات «جان بالبی»، دل‌بستگی دارای چهار ویژگی ایجاد پایه مطمئن، پناهگاه امن (رجوع به موضوع دل‌بستگی در هنگام مواجهه با خطر و تهدید)، تمایل به حفظ نزدیکی و اندوه جدایی از موضوع دل‌بستگی است (پورجعفر، ایزدی و خیبری، ۱۳۹۴، ۴۴). حس دل‌بستگی به مکان در آغاز، علاقه انسان‌شناسان و جامعه‌شناسان را به منظور مطالعه رابطه بین انسان و مکان‌های مقدس به خود جلب کرد. در طی تحولات شهرسازی مدرن در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ متأثر از عواقب ناشی از جهانی‌شدن و نقل مکان اجباری مردم اهمیت توجه به مکان زندگی مردم افزایش یافت (Norton & Hannon, 2002; Scannell & Gifford, 2009). ایده دل‌بستگی به مکان

حس دل‌بستگی کاربران به فضای زندگی باعث می‌شود که شخص در ارتقای محل زندگی خود اهتمام ورزد. از بین‌رفتن حس دل‌بستگی، جدایی افراد از یکدیگر و کمبود تعاملات اجتماعی در کنار سایر معضلات شهری ماحصل دید مدرنیستی به فضا است؛ چنانکه به گفته «نوربرگ شولتز» بسیاری از مردم احساس می‌کنند که زندگی‌شان «بی‌معنا» است و از «خود بیگانه» (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۱، ۸۵). معنابخشی به زیست انسان‌ها در محیط از طریق ویژگی‌هایی رقم می‌خورد که در ابعاد مختلف کالبدی، اجتماعی و فرآیندی قابل مطالعه هستند. «ویژگی‌های فیزیکی و اجتماعی محیط می‌تواند کیفیت زندگی ساکنان را افزایش دهد» (Moulay, Norsidah, Suhardi & Sumarni, 2018, 28)

ضرورت شناخت مهمترین شیوه تفکر و تلقی از شهر به عنوان یک کل یکپارچه، اعتقاد به توانایی‌های ذاتی ذهن انسان برای ایجاد شبکه روابط در عالم، نگرش به هر جزء در اتصال به کل و به تبع آن ایجاد کلیتی منسجم از پس اندیشه‌های منسجم، پیش از هرگونه مداخله در بافت است (رحیمی، محمدی و حسن زاده داوودی، ۱۳۹۳، ۹۰). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر افزایش حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی

مجتمع‌های مسکونی به عنوان فضایی مکمل در کنار فضای داخلی آپارتمان‌ها جهت تعاملات اجتماعی و زندگی جمعی، ایجاد رابطه مستمر با طبیعت و گسترش بخشی از عملکردهای فضای داخل به خارج، هدف اصلی این پژوهش قرار گرفته است. فضای جمعی می‌تواند بستری برای توسعه و شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی باشد. فضای جمعی، فضایی است که فرد را به مکث و سکون واداشته و شرط لازم برای تعاملات اجتماعی است (پاکزاد، ۱۳۸۳، ۱۸). فضای جمعی برای انواع اهداف کاربردی و نمادین مشترک استفاده می‌شود. از این‌رو فضاهای عمومی (فضاهای جمعی) معمولاً فضاهایی چندمنظوره هستند و از این نظر با قلمرو مرزبندی‌شده واحدهای مسکونی تفاوت دارند (مدنی‌پور، ۱۳۸۴، ۴۹). در مجتمع‌ها و محیط‌های مسکونی، فضای جمعی، یکی از عرصه‌های مشترک زندگی قابل شناسایی است. این فضا قابلیت استفاده گروهی را دارد و در آن فعالیت‌ها و روابط جمعی اتفاق می‌افتد. معمولاً ساختمان مسکونی، کالبد زندگی جمعی است و فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی در فضای جمعی محیط‌های مسکونی محتوای آن را شکل می‌دهد (مهدوی‌نژاد، دهقانی و برومند، ۱۳۹۳). با گسترش جوامع انسانی و ارتقای نیازهای اجتماعی بشری برای زندگی بهتر و محدودیت‌های فضاهای مسکونی برای انجام برخی از آنها، ضرورت حضور در فضاهای جمعی جهت انجام برخی از فعالیت‌های انسان از اهمیت زیادی برخوردار شده است. تأمین نیاز انسان به ایجاد ارتباط با دیگران و در

یک چیز در جهان نیست، بلکه راهی برای درک شناخت جهان است: «... وقتی ما به جهان به عنوان جهان مکان‌ها می‌نگریم، چیزهای متفاوتی می‌بینیم. پیوستگی‌ها و ارتباطات بین مردم و مکان جهان‌های معنا و تجربه را می‌بینیم» (Cresswell, 2015, 18). تصویر مکان واضح‌ترین مفهوم ارائه شده در رابطه انسان و محیط است. تصویر مکان همچون نمایش لحظه‌ای از رویدادهای رخ داده در مکان است (Hashas, 2004) و به اجبار برداشتی عاطفی از محیط نیست، اما تحت تأثیر عوامل عملکردی، ادراکی، رفتاری و شناختی قرار دارد. از هویت مکان و شخصیت مکان مفهوم مشابهی از ادبیات موجود تلقی می‌شود و می‌توان گفت که هر دو مفهوم، دارای معانی یکسانی هستند و به ماهیت کالبدی محیط نزدیکتر هستند (Ibid). در روانشناسی محیطی از ارتباط عاطفی بین خود و مکان شناخته شده به عنوان دلبستگی مکانی نام می‌برند (Ram, Björk & Weidenfeld, 2016, 111). دلبستگی مکانی به عنوان پیوند حسی بین کنشگر و مکان (Florek, 2011) یکی از مفاهیم اصلی در روانشناسی محیطی است (حاتمی‌نژاد، احمدپور، زیاری و حبیبیان، ۱۳۹۷، ۶۷). بسیاری پژوهشگران بر زمینه فردی به ویژه بر حس و تعلق فیزیکی/عملکردی تأکید می‌کنند که بین یک فرد و محل جغرافیایی پدید می‌آید. در برخی دیگر بر زمینه اجتماعی و روابط افراد تأکید می‌شود و در بعد سوم بر اینکه چگونه مجموعه‌های کالبدی) به ویژه در زمینه طبیعی خود تعلقات مکانی را شکل می‌دهند (Brown, Raymond & Corcoran, 2015, 42). بسیاری از محققین با دلبستگی مکانی به عنوان یک ساختار چندبعدی پیچیده برخورد می‌کنند. گرچه تاکنون توافق عمومی درباره اینکه این ابعاد چیست؟ در عمل وجود ندارد (Anton & Lawrence, 2016, 452). تایلر به نقل از دانشپور، سپهری مقدم و چرخچیان (۴، ۱۳۸۸) حس دلبستگی به مکان را با دو بعد وابستگی کالبدی (ریشه‌داشتن، اشاره به قدمت مکان و زمان آشنایی) و وابستگی اجتماعی (قید و بندهای بومی و محلی یا دلبستگی‌های اجتماعی افراد و گروه‌ها) معرفی می‌کنند. جورگنسن و استدمن حس مکان را ساختاری عریض و نگرشی شامل سه بعد دلبستگی به مکان، وابستگی به مکان و هویت مکان و سه مؤلفه عاطفی، شناختی و رفتاری پیشنهاد کرده‌اند (Jorgensen & Stedman, 2006). مؤلفه‌ها و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت حس تعلق به مکان در سه حیطة عملکردی (رفتاری)، فرمی کالبدی (شناختی) و ادراکی احساسی (عاطفی) دسته‌بندی می‌شوند (صادقی، ۱۳۹۳). حیطة عملکردی فعالیت است که بر نقش عوامل اجتماعی در شکل‌گیری حس تعلق به مکان تأکید می‌کند شامل جنبه‌های مختلف حضور، مشارکت برقراری تعاملات اجتماعی و برخورداری از حمایت اجتماعی در محیط، جامعه و اجتماعات محلی است. حیطة فرمی کالبدی

بر پیوند انسان و محیط فیزیکی استوار است. این پیوند در ادبیات موجود با نام‌های متفاوتی خوانده شده است. رلف (Relph, 1976) آن را مکان در مقابل بی‌مکانی، تُوآن (Tuan, 1974) آن را توپوفیلیا، نوربرگ شولتز (Norberg-Schulz, 1980) آن را روح نگهبان، پروشانسکی (Proshansky, Fabian & Kaminoff, 1983) آن را هویت مکان، شامایی (Shamai, 1991)، استیل (Steele, 1981) و گرین (Green, 1999) آن را شخصیت مکان و آلتمن و لو (Altman & Low, 1992)، ویلیامز و رگنباک (Williams, Roggenbuck, 1989) و براون (Brown, Perkins, Douglas & Brown, 2003) آن را حس دلبستگی نامیده‌اند. هاشاس (Hashas, 2004) در رساله دکتری خود در دانشگاه کارولینای شمالی براساس نزدیکی هر کدام از مفاهیم به ماهیت عینی و یا ذهنی آنها را طبقه‌بندی کرده است. ماهیت عینی برگرفته از مشخصات کالبدی و ماهیت ذهنی منبعث از تفکر و احساس افراد در مورد محیط کالبدی است. در ایران پژوهش‌های موجود، رساله دکتری چرخچیان (۱۳۸۸) در دانشگاه علم و صنعت با مطالعه حس دلبستگی در فضای شهری قزوین به بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر افزایش دلبستگی به فضاهای عمومی شهری با تأکید بر تنوع فعالیتی پرداخته است. نمونه دیگر رساله قاضی‌زاده (۱۳۹۰) در دانشگاه تهران است که با روش تحقیق کمی به بررسی تأثیر طراحی فضای باز مجتمع مسکونی در ایجاد حس دلبستگی به مکان پرداخته است. در حوزه طراحی شهری، پایان‌نامه خبیری (۱۳۹۱) در دانشگاه تربیت مدرس با عنوان تدوین چارچوب طراحی شهری محله‌های شهری با رویکرد ایجاد دلبستگی مکانی نمونه موردی محله امامزاده یحیی تهران است.

با توجه به پیشینه تحقیق، تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین از یک سو در نوع روش تحقیق و استفاده از روش ثبت رفتاری در ترکیب با روش کمی در حوزه معماری و از سوی دیگر تمرکز بر روی مؤلفه‌های فرم کالبدی به صورت تدقیق شده در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی در حوزه معماری است.

مبانی نظری

• حس دلبستگی به مکان

«کلمه دلبستگی ارجاع به اثر و کلمه مکان ارجاع به قرارگاه رفتاری دارد که مردم به طور احساسی و فرهنگی به آن وابسته هستند» (Altman & Low, 1992, 5). دلبستگی به مکان تأکید بر روشی است که «افراد به صورت شخصی معنای مکان را برای خود می‌سازند» (Gifford, 2002, 273). دلبستگی به مکان همچون دلبستگی به شخص می‌تواند در نتیجه «ارتباط پیوسته با شی مورد دلبستگی» (مکان) باشد (Billing, 2006, 250). کرسول در خوانش خود از مکان معتقد است مکان، تنها

دل‌بستگی در مقیاس خانه بالاتر از شهر قرار گرفته و دل‌بستگی در مقیاس شهر بالاتر از همسایگی است. همچنین دل‌بستگی به فضای اجتماعی بالاتر از مکان کالبدی است (Hidalgo & Hernandez, 2001). بیشتر تحقیقات در خصوص دل‌بستگی بر روی جنبه‌های اجتماعی آن تمرکز کرده است. زمانی که دل‌بستگی بیشتر از خود مکان، به طور مستقیم وابسته به کسانی باشد که در آنجا هستند، به آن مکان اجتماعی اطلاق می‌شود (Scannell & Gifford, 2009). به دلیل مشابهت‌های دل‌بستگی به مکان با حس اجتماع، این دو بارها در مطالعات، مورد مقایسه و تلفیق قرار گرفتند. از آنجا که بخشی از ماهیت این گروه وابسته به مکان و مشخصات کالبدی آن است، نقش طراح در شکل‌گیری و تقویت حس دل‌بستگی محسوس‌تر می‌تواند باشد. در این گروه، مکان به عنوان جزء اصلی، تأثیری محرز بر حس دل‌بستگی دارد و کیفیت مکان و ویژگی‌هایی کالبدی می‌تواند قابلیت مکان را در احتمال رخداد تعاملات اجتماعی افزایش دهد و منجر به تغییر در میزان دل‌بستگی است. در این پژوهش با توجه به اصول معماری ایرانی-اسلامی و مشاهدات میدانی علاوه بر متغیرهای ذکر شده در حیطه کالبدی، دو متغیر محرمیت (حریم خصوصی) و انسجام (وحدت) مورد توجه قرار گرفته است.

محرمیت (حریم خصوصی)

از اصول معماری ایران، وجود نظام ترتیب و توالی در استقرار فضاها، وقوع فعالیت‌ها، دیدها و حرکت‌هاست. وجود سلسله‌مراتب در معماری، به نحو بارزی در ارتباط با مفهوم محرمیت در فرهنگ ایرانیان است. محرمیت یک مفهوم نسبی است که بسته به مقررات هر جامعه‌ای ساز و کار خاص خود را دارد. چنانکه مفهوم قلمرو و حریم خصوصی به دنبال تحولات و پیشرفت‌های امروزی دستخوش تغییر قرار گرفته است (رحمدل، ۱۳۸۴). فاصله بین افراد براساس نحوه زندگی و فرهنگ آنها متفاوت است. فضای شخصی در زبان روزمره وارد شده با معناهای مختلف درک می‌شود. مفهوم حریم خصوصی، فارغ از بستر فرهنگی آن در جوامع اسلامی، در تمامی فرهنگ‌ها مورد توجه است. چنانکه انسان‌ها توسط حباب‌های نامرئی احاطه شده‌اند که حد فاصل حضور خود با دیگران را براساس این حباب‌ها تعریف می‌کنند (Lawson, 2001). بر این اساس مفهومی که از محرمیت در فضای جمعی مسکونی تلقی می‌شود، ارجاع به مکانی دارد که در آن افراد بدون دخالت دیگران بتوانند از فضا استفاده کنند.

انسجام (وحدت)

از دیدگاه توسعه پایدار، انسجام اجزا در هر مجموعه از شروط لازم برای توسعه و تداوم آن به شمار می‌آید، و

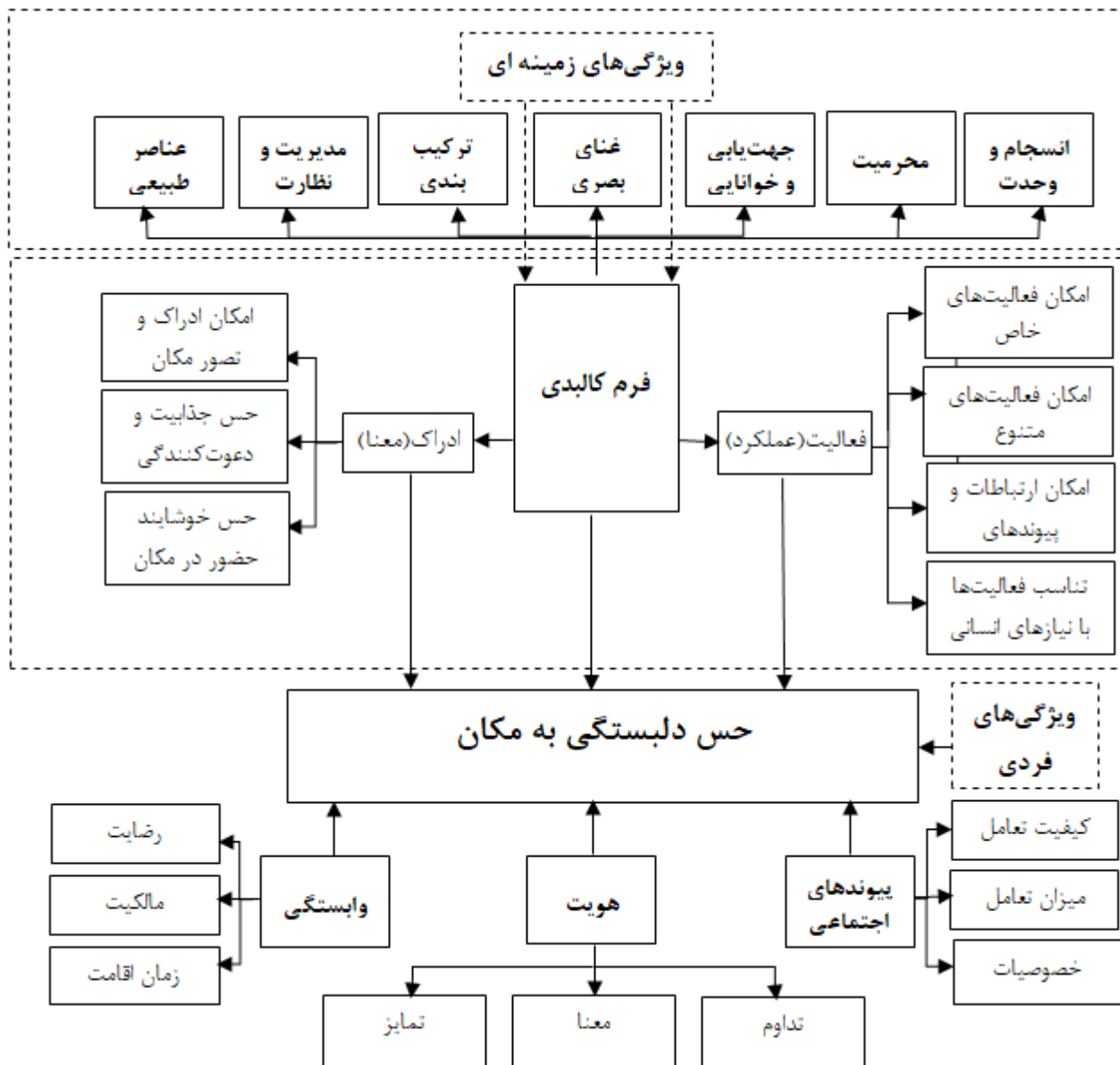
به چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های کالبدی در تقویت حس تعلق به مکان پرداخته و در استفاده از راهکارهای محیطی برای کاهش جرم و جنایت، کیفیت مناسب، تراکم مناسب و طراحی آگاهانه محیط خلاصه می‌شود. همچنین مؤلفه‌ها و خصوصیت‌های فردی که اشاره به تأثیرگذاری مدت زمان اقامت، وضعیت تأهل، جنسیت و درآمد فرد در میزان حس تعلق به مکان دارند، در حیطه ادراکی احساسی قرار می‌گیرند (Brown, Raymond & Corcoran, 2015; Gustafson, 2001). ویژگی‌های خاص یک مکان که سبب تمایز و تشخیص آن از سایر مکان‌ها می‌شوند به علت کمک به فرد برای شناخت و معرفی خود به عنوان بخشی از یک چارچوب اجتماعی مکانی ویژه، به تقویت حس تعلق فرد نسبت به مکان کمک می‌کند. در واقع زمانی که افراد در یک مکان، ویژگی‌های مشترکی دارند و با آن ویژگی‌ها خود را به راحتی به عنوان بخشی از یک اجتماع مکانی معرفی می‌کنند، حس تعلق آنها به مکان افزایش می‌یابد (Smith, 2011). درک، سازماندهی، طبقه‌بندی و یادآوری کلیه تجارب جدید براساس تصویری است که فرد از خود دارد. نیازها و خواسته‌های فرد نیز براساس این «خود» تعریف می‌شود. زمانی که شی و یا موضوعی با انتظارات و نیازهای فرد منطبق باشد و رضایت از آن حاصل شود، به تدریج حس دل‌بستگی به شی و یا موضوع پدید می‌آید. در نتیجه فرد احساس راحتی و امنیت می‌نماید و به حفظ، نگهداری و حمایت از شی و یا موضوع ترغیب می‌شود (Hashas, 2004). گیفورد، اجزای حس دل‌بستگی را «محیط کالبدی»، «کاربران» و «فرایند دل‌بستگی» می‌داند. هر کدام از این اجزا ممکن است دارای سطوح متفاوتی باشند. دل‌بستگی «کاربران» در دو مقیاس انفرادی و گروهی و در سطوح مختلف فرهنگی، روان‌شناختی و بیولوژی قابل مطالعه است. «محیط کالبدی» در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی و یا قلمرو زندگی همچون خانه، همسایگی، محله، شهر یا کشور می‌تواند در نظر گرفته شود (Gifford, 2002).

اولین جزء در دل‌بستگی به مکان، فاعل یا کسی است که به مکان دل‌بسته و به مشخصات شخصی و گروهی فاعل مؤثر بر دل‌بستگی دلالت می‌کند. جزء دوم فرایند روان‌شناختی و چگونگی تأثیر احساس، شناخت و رفتار در دل‌بستگی است. جزء سوم نیز موضوع مورد دل‌بستگی و شامل مشخصات و ماهیت آن است.

مهم‌ترین جزء دل‌بستگی، موضوع مورد دل‌بستگی و یا مکان است. «مکان ارجاع به بستری دارد که افراد احساسی و یا فرهنگی به آن دل‌بسته هستند» (Altman & Low, 1992, 5). این بعد در مقیاس‌های مختلف خانه، محله و شهر و در سطوح محیط کالبدی و یا اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. نتایج مطالعات هیدالگو و هراندز حاکی از آن است که حس

تنوع ممکن است آنقدر کاهش یابد که در مقیاس وسیع تر، حاصلی کسالت آور داشته باشد (بل، ۱۳۸۵).
 با توجه به آنچه گفته شد در تصویر ۱ الگوی مفهومی خلق فضاهای جمعی واجد ارزش‌های کالبدی محیطی و القاکننده حس دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی منتخب شهر تهران ارائه شده است.
 با توجه به تصویر ۱، مؤلفه‌های تدقیق شده در هر سه حیطه فرمی کالبدی، ادراکی احساسی و عملکردی فعالیتی به طور هم‌زمان و متعادل در شکل‌گیری فضاهای جمعی موفق و القاکننده حس تعلق به مکان نقش داشته‌اند. از این رو در ادامه از متغیرها و مؤلفه‌های تدقیق شده در این بخش، در طراحی پرسشنامه‌های سنجش میزان حس تعلق ساکنین مجتمع‌های

در حوزه سکونتی متضمن وجود تنوع و وحدت در اجزا است. آشفتگی صفت مخالف انسجام است و ماحصل فقدان شالوده و ساختار مشخص و اجزای پراکنده است (Ode, Gary, Mari Sundli, Pernette & Miller, 2009).
 هراندز و همکاران مداخله انسان در طبیعت را به نحوی که باعث ایجاد تضاد بصری بین منظر و بستر آن شود، آشفتگی و اغتشاش می‌دانند (Hernández, García & Ayuga, 2004).
 تنوع در طراحی فضا باعث ایجاد تغییراتی در مقیاس می‌شود. عناصر بزرگ با تقسیم به بخش‌های متعدد، مقیاس کوچک‌تری خواهند یافت و در نتیجه تنوع را دربر خواهد داشت. اگر سلسله‌مراتب خاصی در مقیاس وجود نداشته باشد، میزان تنوع بیش از حد می‌تواند وحدت را از بین ببرد. از طرف دیگر، میزان



تصویر ۱. الگوی مفهومی رابطه بین فرم کالبدی و حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی. مأخذ: نگارندگان.

مسکونی منتخب تهران نسبت فضاهای جمعی و ارزیابی قابلیت این فضاها در القا حس تعلق به مکان استفاده شده است.

همبستگی، رگرسیون بهره برده شد و در نهایت، نتایج حاصل از پژوهش، جمع‌بندی شد (جدول ۱).

نمونه‌های مورد مطالعه

انتخاب اولیه مجموعه‌ها براساس میزان فضای جمعی مجتمع صورت می‌گیرد. به این منظور مجتمع‌های مسکونی تعدادی از مناطق شهرداری تهران به کمک نقشه‌های جی آی اس، نقشه‌های موجود شهر تهران و عکس‌های هوایی استخراج شد (عینی‌فر و قاضی‌زاده، ۱۳۸۹). سپس کلیه مجتمع‌های مسکونی که فضای جمعی آنها بالغ بر ۶۵ درصد سطح زمین است برداشت و مورد بازدید میدانی قرار می‌گیرد و مشخصات دقیق آنها استخراج می‌شود. براساس اطلاعات برداشت‌شده میدانی، تطبیق و مقایسه داده‌ها، عامل مشترک بین مجتمع‌ها استخراج و الگوی گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی با رویکرد فضای جمعی تدوین می‌شود. در بخش‌هایی، مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه از گونه‌های منتخب با بیشترین میزان فضای جمعی انتخاب می‌شوند.

براساس پلان‌های برداشت شده، مجتمع‌های مسکونی شهر به سه گروه اصلی ۱. ردیفی ۲. پراکنده ۳- متمرکز قابل تفکیک هستند. از آن جایی که در مجتمع‌های کلان مقیاس بالای ۵۰۰ واحد مسکونی به دلیل گستردگی، حس تملک و حریم خصوصی کم‌رنگ‌تر می‌شود، مجتمع‌هایی با مقیاس کوچکتر با تراکم متوسط برای انجام مطالعه میدانی انتخاب شدند. در نهایت مطابق جدول ۲ از هر گروه دو مجتمع مسکونی انتخاب شدند: ۱- ردیفی (نویسندگان، گل‌ها) ۲- پراکنده (فردوس، پاس) ۳- متمرکز (آرین، سروستان).

یافته‌های پژوهش

چنانکه ذکر شد این پژوهش درصدد کشف رابطه بین کیفیت فرم کالبدی فضای جمعی مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان است. هدف اصلی این پژوهش یافتن راهکارهایی جهت ارتقای فضای جمعی مجتمع مسکونی در جهت افزایش حس دل‌بستگی است. برداشت میدانی و استفاده از راهبرد همبستگی و یا کیفی از رویکردهای اصلی پژوهش‌های مشابه

روش تحقیق

با مطالعه روش‌های به‌کارگرفته‌شده در تحقیقات مرتبط پیشین و مشاوره با صاحب‌نظران امر، استراتژی انتخابی این پژوهش برای دستیابی به اهداف محورهای موضوعی مطرح شده، استفاده از رویکرد ترکیبی است؛ بدین ترتیب که به منظور آزمون فرضیات تحقیق که برآمده از مبانی نظری و برگرفته از دیدگاه قیاسی است، از استراتژی پژوهش کیفی با استفاده از روش ثبت رفتاری بهره گرفته شده است و همچنین به منظور شناخت سایر متغیرهای میانجی در رابطه با حس دل‌بستگی به مکان، شناخت مؤلفه‌های حس دل‌بستگی به مکان در معماری و شناخت روابط میان آنها و به طور کل، پاسخگویی به سؤالات رویکرد کیفی، از استراتژی پژوهش کمی استفاده شد. در این پژوهش مشخصه‌های کالبدی فضاهای جمعی مسکونی متغیر مستقل و میزان حس دل‌بستگی به مکان متغیر وابسته است. به کمک راهبرد علی-مقایسه‌ای، میزان تأثیر ویژگی‌های کالبدی فضاهای جمعی مسکونی بر حس دل‌بستگی ساکنان بررسی می‌شود. مطالعات موردی بخش اعظمی از کار را در برمی‌گیرد. در ادامه به منظور آزمون فرضیات تحقیق، گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل آنها در دستور کار قرار می‌گیرد؛ به این ترتیب که پرسشنامه براساس شاخص‌های تحقیق تدوین و پس از تأیید روایی آنها به روش دلفی، نظرات خبرگان اخذ شد و با انجام پیش‌آزمون به تعداد ۳۰ عدد پایایی آن، از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه‌ها بررسی شد که در جدول ۱ قابل مشاهده است. برای تعیین نمونه آماری، ابتدا با استفاده از فرمول کوکران براساس تعداد کل جمعیت مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه (۶۰۰۳ نفر) محاسبه شد که عدد ۳۶۱ به دست آمد و پس از پرکردن ۴۰۰ پرسشنامه در مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه متناسب با جمعیت هرکدام از آنها به روش تصادفی منظم و پالایش موارد مسئله‌دار، داده‌های ۳۶۱ پرسشنامه وارد چرخه تحلیل شد. در مرحله بعد، از روش‌های آماری به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های کسب شده از آزمون مقایسه میانگین،

جدول ۱. ضریب پایایی و گویه‌های متغیرهای تحقیق (اعداد کنار نام هر مجتمع، بیانگر درصد فضای باز آن است). مأخذ: نگارندگان.

متغیرهای تحقیق	تعداد پرسش‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
حس دل‌بستگی به مکان	۲۰	۰/۹۰۶
کالبد	۳۲	۰/۹۳۶
فعالیت	۱۳	۰/۹۴۱
معنا	۲۰	۰/۹۵۰

جدول ۲. گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

تعداد واحدها		تعداد پرسشنامه	الگوی فضای باز	ارتفاع
۲۱۶ - ۵۰۰	< ۲۱۶			
-	گل‌ها (منطقه ۲) (۰/۷۸)	۴۳	ردیفی	> ۶
-	-	-	پراکنده	
-	-	-	متمرکز	
-	نویسندگان (۰/۷۸)	۳۳	ردیفی	۷-۱۲
-	فردوس (۰/۹۱)	۵۴	پراکنده	
-	آرین (۰/۸۰)	۲۷	متمرکز	
-	-	-	ردیفی	+۱۳
پاس (۰/۸۸)	-	۱۲۷	پراکنده	
سروستان (۰/۷۳)	-	۷۷	متمرکز	

رابطه بین کیفیت فضای باز جمعی و میزان روی دادن فعالیت (ضروری، گزینشی و اجتماعی) در فضاهای مجتمع‌های مسکونی منتخب شهر تهران قابل ارزیابی است. هنگامی که کیفیت فضا خوب باشد، میزان روی دادن فعالیت‌های گزینشی افزایش می‌یابد. از این گذشته، همان‌طور که سطح وقوع فعالیت‌های اختیاری بالا می‌رود، تعداد فعالیت‌های اجتماعی نیز بیشتر می‌شود.

با توجه مشاهدات میدانی، مطابق با **جدول ۵**، بیشترین فعالیت ضروری (رفت و آمد) و پس از آن فعالیت گزینشی (ورزش و پیاده‌روی) در فضاهای جمعی مجتمع‌های مورد مطالعه قرار می‌گیرد که از میان تمامی مجتمع‌ها، مجتمع ردیفی نویسندگان بیشترین میزان حجم فعالیت و همچنین بالاترین میزان دلبستگی به مکان را به خود اختصاص داده است.

تجزیه و تحلیل آمار توصیفی

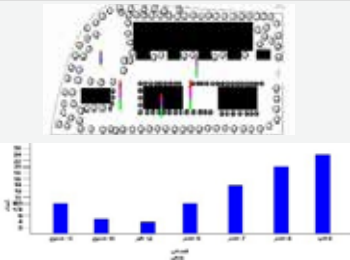
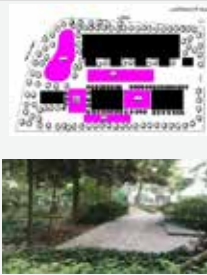
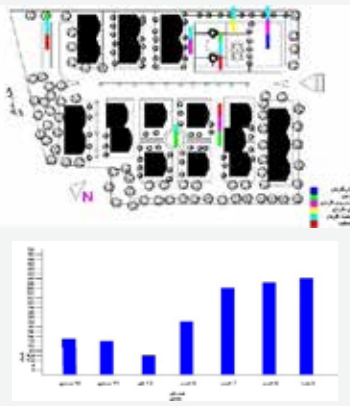
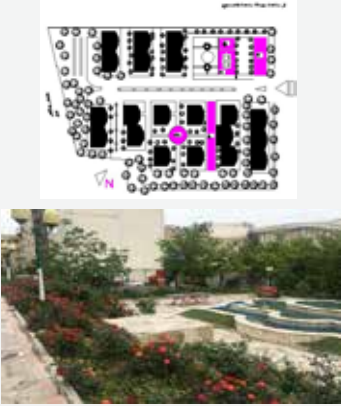
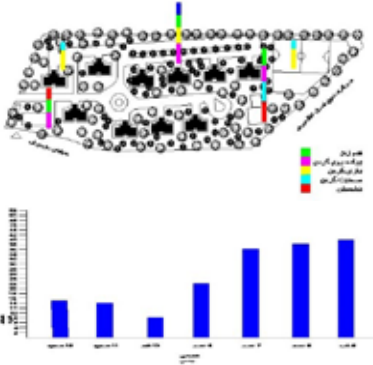

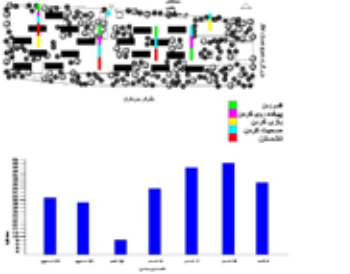

از ۳۶۱ نفر شرکت‌کننده در مطالعه، ۲۰۶ نفر (۵۷/۶۱۱ درصد) زن و ۱۵۵ نفر (۴۲/۹ درصد) مرد هستند. همچنین در این مطالعه، ۲۷۶ نفر (۷۶/۵ درصد) مجرد، ۸۳ نفر (۲۳ درصد) متأهل، ۱ نفر (۰/۳ درصد) مطلقه و ۱ نفر (۰/۳ درصد) بیوه هستند. ۳۲ نفر (۸/۹ درصد) در گروه سنی زیر ۱۸ سال، ۱۷۵ نفر (۴۸/۵ درصد) در گروه سنی ۱۹ تا ۳۵ سال، ۱۲۴ نفر (۳۴/۳ درصد) در گروه سنی ۳۶ تا ۶۰ سال و ۳۰ نفر (۸/۳ درصد) بالاتر از ۶۰ سال هستند. نتایج نشان می‌دهد ۱۵۱ نفر (۴۱/۸ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم و پایین‌تر، ۶۲ نفر (۳۸ درصد) لیسانس، ۶۲ نفر (۱۷/۲ درصد) فوق لیسانس، ۱۱ نفر (۳ درصد) دکتری و بالاتر هستند.

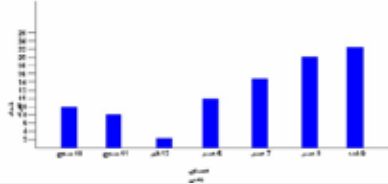
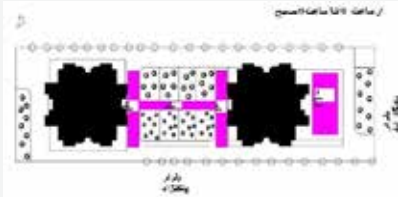

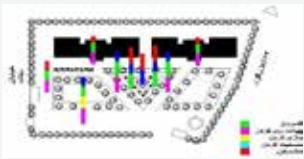
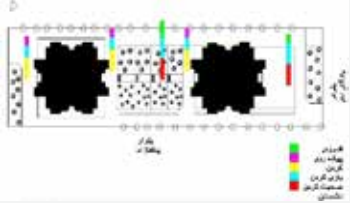


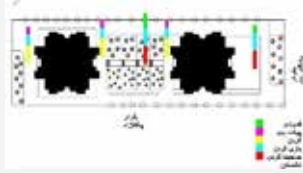
بوده است. با توجه به رویکرد این پژوهش مبنی بر فضای جمعی و با تلفیق معیارهای مقیاس و ارتفاع ساختمان و کل فضای باز و همچنین از آن جایی که در مجتمع‌های کلان مقیاس بالای ۵۰۰ واحد مسکونی به دلیل گستردگی، حس تملک و حریم خصوصی کم‌رنگ‌تر می‌شود، مجتمع‌هایی با مقیاس کوچکتر برای انجام مطالعه میدانی انتخاب شدند. در ابتدا با استفاده از مشاهدات میدانی به روش کیفی ثبت رفتاری، نوع رفتار کاربرین و مدت زمان استفاده از فضای جمعی به دست آمده و سپس با توزیع و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به تفسیر و آزمون فرضیه‌های تحقیق می‌پردازیم.

ثبت مشاهده رفتاری

روش مشاهده رفتاری به عنوان شیوه‌ای جدید برای بررسی و پایش الگوهای رفتاری در فضاهای همگانی بیان شدند. این روش صرفاً بر پایه دیدن نیست، بلکه از پژوهشگر می‌خواهد تا به جای دیدن، به انگاره ذهنی مشاهده دست یابد. به عبارت دیگر زنجیره‌ای از نگریدن، شنیدن، درنگ و تفکر درباره آنچه در نتیجه دیدن، در ذهن به تصویر کشیده می‌شود، در روش مشاهده رفتاری نمود پیدا می‌کند. در این صورت می‌توان ادعا کرد که تعامل میان انسان و محیط پیرامون آن واکاوی شده است. به همین منظور برداشت رفتاری در دو بعد: ۱- عینی (فعالیت ایستگاهی و فعالیت پویا)، ۲- ذهنی (هدف از فعالیت) با استفاده از شیوه‌های مختلف: مصاحبه مستقیم/ مشاهده/ عکس‌برداری/ ترسیم حرکت/ تبدیل به نقشه/ شمارش/ تعقیب/ ردگیری/ یادداشت روزانه انجام پذیرفته است (**جدول ۳**). با توجه به مطالعات (Gehl, 1987)، مطابق با **جدول ۴**،

جدول ۳. یافته‌های ثبت رفتاری در مجتمع‌های مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

شمارش / تعقیب / ردگیری / یادداشت روزانه	ابزار	مشاهده / عکس‌برداری / ترسیم حرکت / تبدیل به نقشه شناسایی نقاط فعالیت (ضروری، گزینشی و اجتماعی) و شمارش افراد	گونه مجتمع
		مجتمع نویسندگان	ردیفی
		مجتمع گل‌ها	
		مجتمع فردوس	پراکنده
		مجتمع پاس	

شمارش / تعقیب / ردگیری / یادداشت روزانه	ابزار مشاهده / عکس برداری / ترسیم حرکت / تبدیل به نقشه شناسایی نقاط فعالیت (ضروری، گزینشی و اجتماعی) و شمارش افراد تصویر و نقشه فضاهای جمعی	گونه مجتمع
 	 	مجتمع آربین
 	 	متمرکز مجتمع سروستان

جدول ۴. رابطه بین کیفیت فضای باز جمعی و میزان روی دادن فعالیت (ضروری، گزینشی و اجتماعی). مأخذ: Gehl, 1987.

نوع فعالیت	کیفیت محیط فیزیکی	
	ضعیف	خوب
ضروری	●	●
اختیاری	●	●
اجتماعی	●	●

جدول ۵. ارزیابی میزان فعالیت (ضروری، گزینشی و اجتماعی) با شیوه ثبت رفتاری در مجتمع‌های مورد مطالعه. مأخذ: نگارندگان.

Sig	کل	متمركز		پراکنده		ردیفی		فعالیت (ضروری، گزینشی، اجتماعی)
		میانگین	مجتمع سروستان	مجتمع آراین	مجتمع پاس	مجتمع فردوس	مجتمع گل‌ها	
۰/۰۰۰	۴,۸۱۴۴	۴,۷۹۲۲	۴,۸۸۸۹	۴,۷۵۵۹	۴,۷۷۷۸	۴,۸۸۳۷	۵,۰۰۰۰	رفت و آمد
۰/۰۰۰	۲,۶۱۵۰	۳,۰۲۶۰	۳,۰۰۰۰	۲,۲۹۹۲	۲,۲۷۷۸	۳,۳۹۵۳	۲,۰۹۰۹	بازی کودکان
۰/۰۰۰	۳,۹۱۱۴	۴,۲۳۳۸	۳,۹۲۵۹	۳,۵۶۶۹	۳,۹۴۴۴	۴,۲۰۹۳	۴,۰۳۰۳	ورزش و پیاده‌روی
۰/۰۰۰	۳,۷۵۹۰	۴,۰۲۶۰	۳,۵۱۸۵	۳,۶۱۴۲	۳,۵۹۲۶	۳,۷۹۰۷	۴,۱۲۱۲	استراحت - نشستن
۰/۰۰۰	۳,۴۹۰۳	۳,۶۸۸۳	۳,۱۴۸۱	۳,۲۶۷۷	۳,۵۰۰۰	۳,۸۶۰۵	۳,۶۶۶۷	گفتگو با سایرین
۰/۲۰۸	۳,۰۶۳۷	۳,۵۰۶۵	۳,۱۴۸۱	۲,۷۵۵۹	۳,۱۶۶۷	۲,۷۶۷۴	۳,۳۶۳۶	ارتباط با همسایگان
۰/۰۰۰	۳,۲۹۲۵	۳,۳۵۰۱	۳,۶۰۷۶	۳,۲۱۴۹	۳,۰۶۳۱	۳,۱۹۴۶	۳,۷۰۱۵	دلبستگی به مکان

تا امتیاز ۵ کاملاً موافق (می‌تواند کدبندی و امتیازدهی شود در این آزمون عدد ۳ به عنوان حد متوسط (test value) در نظر گرفته شده است. اگر میانگین نمونه مورد مطالعه در مؤلفه یا مؤلفه‌ها بالاتر از عدد ۳ باشد و میزان sig هم کمتر از $\alpha/0.5$ باشد می‌توان گفت که سطح متغیر مورد نظر به طور معناداری بالاتر از حد متوسط است و بالعکس.

الف. کالبد: در بین مؤلفه‌های ۷ گانه متغیر کالبدی سطح معنی داری sig مؤلفه‌های غنای بصری و عناصر طبیعی و سبز بالاتر تر از $\alpha/0.5$ است و از این رو می‌توان گفت از نظر آماری تأثیر این مؤلفه‌ها معنادار نیست. سایر مؤلفه‌ها تأثیر معنادار دارند و مؤلفه‌های محرمیت و انسجام دارای بالاترین عدد میانگین و بالاتر از ۳ هستند (جدول ۷).

ب. فعالیت: در متغیر بعدی عملکردی-فعالیتی، سطح میانگین در تمامی مؤلفه‌های مطالعه شده پایین‌تر از ۳ و سطح sig کمتر از $\alpha/0.5$ و معنی دار است.

پ. ادراک: سطح میانگین در تمامی مؤلفه‌های مطالعه شده متغیر احساسی-ادراکی، پایین‌تر از ۳ و سطح sig آنها کمتر از $\alpha/0.5$ و معنادار هستند.

ت. دلبستگی به مکان: آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد میزان حس دلبستگی به مکان به عنوان متغیر وابسته تحقیق بالاتر از میانگین بوده و همچنین دارای سطح معناداری است.

• تأثیر متغیرهای کالبدی، فعالیتی و ادراکی بر حس دلبستگی به مکان

آزمون فرضیه اول- برای آزمون تأثیر متغیرهای مستقل کالبدی، فعالیتی و ادراکی بر حس دلبستگی به مکان از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

لازم به ذکر است، از ۳۶۱ نفر شرکت کننده در مطالعه، ۱۰۸ نفر (۲۹/۹ درصد) از پاسخگویان ۵ سال و کمتر، ۱۵۴ نفر (۴۲/۸ درصد) از پاسخگویان ۶ تا ۱۰ سال، ۶۲ نفر (۱۷/۲ درصد) از پاسخگویان ۱۱ تا ۱۵ سال، و ۳۷ نفر (۱۰/۲ درصد) از پاسخگویان بالاتر از ۱۵ سال در محله اقامت داشتند.

آمار استنباطی

در ادامه به تحلیل تأثیر هر یک از مؤلفه‌های کالبدی بر دلبستگی به مکان در قالب پرسشنامه پرداخته شده است.

• بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

از آزمون k-s (کولموگروف-اسمیرنوف) جهت بررسی نرمال بودن متغیرها استفاده شده است.

جدول ۶ و مقادیر به دست آمده ($P\text{-value} < 0.05$) سطح معنی داری) نشان می‌دهند که تمامی متغیرها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. بنابراین برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است.

• سنجش سطح متغیرهای مستقل و وابسته در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی

در این تحقیق برای سنجش متغیرهای مستقل کالبدی، فعالیتی و ادراکی، همچنین متغیر وابسته دلبستگی به مکان، مؤلفه‌هایی طراحی شده و برای سنجش این مؤلفه‌ها گویه‌هایی جهت پرسش از ساکنین در طیف ۵ مقیاسی لیکرت طرح شده است. پایایی پرسشنامه مورد نظر با آلفای کرونباخ ۰,۸۹۶ تأیید شده و برای آزمون سطح این متغیرها در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی مورد مطالعه از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. با توجه به اینکه طیف لیکرت از امتیاز کاملاً مخالف

جدول ۶. آزمون کولموگروف- اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن متغیرها. مأخذ: نگارندگان.

مؤلفه کالبدی	مؤلفه فعالیتی	مؤلفه ادراک	دلبستگی به مکان
۳/۰۰	۲/۵۳	۲/۷۲	۳/۲۹
۰/۵۲	۰/۶۷	۰/۶۲	۰/۴۷
۰/۱۰۰	۰/۰۷۵	۰/۰۷۱	۰/۰۵۴
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۴

جدول ۷. سطح متغیرهای پژوهش در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب شهر تهران براساس آزمون T تک نمونه‌ای. مأخذ: نگارندگان.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت حس تعلق به مکان	ردیفی		پراکنده		متمرکز		کل Sig
	مجتمع نویسندگان	مجتمع گل‌ها	مجتمع فردوس	مجتمع پاس	مجتمع آراین	مجتمع سروستان	
محرمیت	۳,۲۹۵۵	۳,۲۵۵۸	۳,۰۶۰۲	۳,۱۴۷۶	۳,۹۰۱۲	۳,۴۴۱۶	۳,۲۸۶۷
انسجام و وحدت	۳,۷۲۷۳	۳,۱۵۱۲	۳,۰۹۲۶	۲,۹۰۱۶	۳,۳۰۵۶	۳,۶۸۱۸	۳,۲۵۴۸
قابلیت جهت‌یابی و خوانایی	۳,۳۱۳۱	۲,۸۵۲۷	۲,۶۲۹۶	۲,۴۱۴۷	۴,۰۰۰۰	۳,۵۴۵۵	۲,۸۶۰۶
غناى بصرى	۳,۰۳۷۹	۲,۸۶۶۳	۳,۶۸۰۶	۲,۷۵۰۰	۳,۶۵۴۳	۳,۲۹۰۰	۳,۱۰۶۶
حیطه فرمى کالبدى	۲,۹۷۸۰	۲,۸۰۳۴	۲,۷۷۷۸	۲,۵۵۶۲	۳,۶۳۸۹	۳,۲۶۹۵	۲,۸۵۱۷
ترکیب‌بندی و کیفیت کالبدی فضایی							
مدیریت تسهیلات و نظارت	۳,۰۲۲۷	۲,۹۰۹۹	۲,۷۸۰۱	۲,۷۲۲۴	۳,۸۰۱۳	۳,۰۳۰۷	۲,۹۲۶۶
عناصر طبیعی و سبز	۳,۲۵۲۵	۲,۹۸۴۵	۲,۶۹۱۴	۲,۷۹۰۰	۳,۶۵۲۸	۳,۰۷۹۵	۳,۰۵۹۱
امکان انجام فعالیت‌های خاص در مکان	۲,۹۰۹۱	۲,۸۰۶۲	۲,۶۰۴۹	۲,۳۱۷۶	۴,۳۳۳۳	۳,۲۷۲۷	۲,۶۵۱۹
حیطه عملکردى فعالیتی	۲,۶۸۴۸	۲,۳۶۲۸	۲,۳۰۷۴	۱,۸۳۴۶	۳,۲۵۹۳	۲,۸۲۶۸	۲,۳۲۲۴
امکان انجام فعالیت‌های متنوع در مکان							
امکان شکل‌گیری ارتباطات و پیوندهای اجتماعی	۳,۰۴۵۵	۲,۶۲۷۹	۲,۵۳۷۰	۲,۰۵۱۲	۲,۶۴۴۴	۲,۸۴۶۸	۲,۵۹۴۲
تناسب فعالیت‌ها با نیازهای انسانی	۳,۱۳۱۳	۲,۶۳۵۷	۲,۶۵۴۳	۲,۲۱۰۰	۳,۴۲۵۹	۳,۰۲۶۰	۲,۷۲۲۱
امکان ادراک و تصور مکان	۲,۸۸۸۹	۲,۶۰۸۵	۲,۷۰۰۶	۲,۱۶۴۰	۳,۸۲۷۲	۳,۰۹۹۶	۲,۶۴۱۷
حیطه احساسى ادراکى	۲,۹۷۷۳	۲,۶۷۴۴	۲,۶۷۵۹	۲,۲۸۵۴	۳,۷۰۹۹	۲,۹۲۶۴	۲,۶۹۸۸
حس جذابیت و فهم دعوت‌کنندگی مکان							
شکل‌گیری حس خوشایند به واسطه حضور در مکان	۲,۹۹۳۹	۲,۸۱۴۰	۲,۷۱۱۱	۲,۵۲۶۰	۳,۵۸۳۳	۲,۹۸۰۵	۲,۸۵۸۲
دلبستگی به مکان	۳,۷۰۱۵	۳,۱۹۴۶	۳,۰۶۳۱	۳,۲۱۴۹	۳,۶۰۷۶	۳,۳۵۰۱	۳,۲۹۲۵

برای آزمون تأثیر متغیرهای کالبدی، فعالیتی و ادراکی بر حس دلبستگی به مکان از آزمون رگرسیون استفاده شد. در جدول ۹ سطح معناداری (sig) برای دو متغیر کالبد و ادراک، کمتر از $\alpha = 0.05$ و برای متغیر فعالیت سطح معناداری

با توجه به جدول ۸، sig کمتر از 0.05 است. بنابراین رابطه بین متغیرهای مستقل کالبدی، فعالیتی، ادراکی و متغیر وابسته دلبستگی به مکان معنادار است و فرضیه اول تحقیق قابل قبول است.

جدول ۸. تأثیر کالبد، فعالیت و ادراک بر حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب شهر تهران. مأخذ: نگارندگان.

متغیر	کالبد	فعالیت	ادراک	دل‌بستگی به مکان
	۱	۰/۷۷۳**	۰/۷۳۳**	۰/۳۵۰**
کالبد		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	۰/۷۷۳**	۱	۰/۷۸۷**	۰/۲۰۱**
فعالیت	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	۰/۷۳۳**	۰/۷۸۷**	۱	۰/۲۵۷**
ادراک	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰
	۰/۳۵۰**	۰/۲۰۱**	۰/۲۵۷**	۱
دل‌بستگی به مکان	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	

**Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

جدول ۹. جدول آزمون رگرسیون. مأخذ: نگارندگان.

متغیر وابسته؛ حس دل‌بستگی به مکان	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد شده	T	sig	متغیر مستقل
	B	Std. Error	Beta			
= R Square ۰/۳۷۳ = R ۰/۱۳۹	۰/۱۸۰	۰/۰۶۰	۰/۲۰۰	۲/۹۷۳	۰/۰۰۳	کالبد
	- ۰/۱۱۵	۰/۰۶۱	۰/۱۶۴	۱/۸۸۷	۰/۰۶۰	فعالیت
	۰/۲۶۰	۰/۰۶۶	۰/۳۴۱	۳/۹۳۰	۰/۰۰۰	ادراک

ادراک مثبت محیطی در افراد می‌تواند به سطح بالاتری از حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی دست یابد.

• تأثیر مؤلفه کالبدی فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی بر حس دل‌بستگی به مکان

در این پژوهش، ارتباط میان ویژگی‌های کالبدی فضای جمعی از جمله «محرمیت»، «انسجام و وحدت»، «قابلیت جهت‌یابی و خوانایی»، «غنای بصری»، «ترکیب‌بندی و کیفیت کالبدی فضایی»، «مدیریت تسهیلات و نظارت» و «عناصر طبیعی و سبز» با میزان دل‌بستگی به مکان در مجتمع‌های مسکونی منتخب شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. آنچه از نتایج پیمایش صورت گرفته حاصل می‌شود، این است که میان تمامی پارامترها با میزان دل‌بستگی به مکان رابطه معناداری وجود دارد. این امر مؤید آن است که

(sig) بیشتر از 0.05 است. بنابراین تأثیر متغیرهای مستقل کالبد و ادراک بر متغیر وابسته حس دل‌بستگی به مکان معنادار است ولی تأثیر متغیر مستقل فعالیت بر متغیر وابسته حس دل‌بستگی به مکان معنادار نیست بنابراین می‌توان گفت فعالیت به صورت همزمان و مستقیم به همراه کالبد و معنا بر روی حس دل‌بستگی به مکان تأثیرگذار نیست. این در حالی است که با توجه به سطح معناداری در **جدول ۱۰** تأثیر دو متغیر مستقل کالبد و ادراک بر متغیر وابسته معنادار است و بنابراین می‌توان گفت کالبد و ادراک بر روی حس دل‌بستگی به مکان تأثیرگذار هستند. ضریب تعیین (R Square) نیز نشان می‌دهد که حدود ۳۶ درصد تغییرات متغیر وابسته (حس دل‌بستگی به مکان) تحت تأثیر کالبد و ادراک است. بنابراین با ارتقای کیفیت کالبدی فضای جمعی برای انجام فعالیت‌های جمعی و ایجاد

مجموعه‌های مسکونی منتخب تهران را شامل می‌شود. با توجه به اهمیت این حس در ارتقای کیفیت محیط‌های مسکونی، در این مقاله به بررسی و سنجش حس دل‌بستگی به مکان و متغیرهای اثرگذار بر آن که دربرگیرنده کالبد، فعالیت و ادراک است، پرداخته شد.

این پژوهش درصدد ارزیابی رابطه بین حس دل‌بستگی به مکان و ویژگی‌های کالبدی فضای جمعی مسکونی و در پی آن ارتقای کیفیت مجتمع‌های مسکونی است. فضاهای جمعی مابین ساختمان‌های مسکونی بستر پیوند ساکنان با طبیعت و محل گذران اوقات فراغت در مکان بیرونی بلافصل خانه است. بنابراین، بازنگری و توجه ویژه به طراحی فضای جمعی مجتمع‌های مسکونی به عنوان حیاط مشترک و جمعی در بسیاری از گونه‌های مسکونی امروزی ضروری است. حس دل‌بستگی به مکان تابع ابعاد متفاوتی از زندگی انسان است و تلفیق طیف متفاوتی از برداشتهای فرد از زندگی روزمره، آن را شکل می‌دهند. بر مبنای پژوهش‌های موجود، معیارهای اصلی سازنده حس دل‌بستگی به مکان در فضای جمعی مجتمع‌های مسکونی برخواسته از ابعاد کالبدی، فعالیت، ادراکی است. بر این اساس الگویی سه بعدی جهت ارزیابی حس دل‌بستگی به مکان ساکنان استخراج شد. جهت آزمون الگوی نظری سه گونه متوسط مقیاس: ردیفی (نویسندگان، گل‌ها)، پراکنده (فردوس، پاس) و متمرکز (آرین، سروستان) از میان مجتمع‌های مسکونی شهر تهران انتخاب و به وسیله پرسشنامه میزان حس دل‌بستگی آنان به مکان استخراج شد. تحلیل داده‌های حاصل از برداشت میدانی به کمک روش کیفی صورت گرفت. نتایج این پژوهش بر اهمیت ویژگی‌های کالبدی با بالاترین ضریب همبستگی با حس دل‌بستگی به مکان ساکنان نسبت به متغیرهای فعالیت و ادراکی، تأکید می‌کند. بر این اساس شاخص «انسجام و وحدت»، «محرمیت» بیشترین تأثیر «غنا بصری» و «قابلیت جهت‌یابی و خوانایی» کمترین تأثیر را در میان شاخص‌های متغیر کالبدی مؤثر در ایجاد حس دل‌بستگی ساکنان به مکان دارد. براساس نتایج به دست آمده از یافته‌های توصیفی مجتمع‌های

افراد ساکن در این مجتمع‌های مسکونی، این ویژگی‌ها را به عنوان عوامل دل‌بستگی به مکان مورد توجه قرار داده‌اند؛ این دل‌بستگی به مکان باعث ایجاد تصویر ذهنی بهتر ساکنین شده است. از میان تمام ویژگی‌ها، ویژگی «انسجام و وحدت» بالاترین ضریب را دارد، بنابراین این ویژگی توانسته است بیشترین میزان دل‌بستگی به مکان را در ساکنین برآورده سازد و پس از آن به ترتیب: «محرمیت»، «مدیریت تسهیلات و نظارت»، «عناصر طبیعی و سبز» «ترکیب بندی و کیفیت کالبدی فضایی»، «غنا بصری» و در آخر «قابلیت جهت‌یابی و خوانایی» قرار دارند (جدول ۱۱).

در این قسمت توسط آزمون رگرسیون خطی، میزان تأثیرگذاری متغیر مستقل کالبدی فضای جمعی مجتمع مسکونی بر متغیر وابسته دل‌بستگی به مکان ساکنین تعیین می‌شود. جدول ۱۲، با توجه به سطوح معناداری کمتر از (۰،۰۵) و بتا در هریک از معیارهای متغیر مستقل فضای جمعی مجتمع مسکونی، نشان از معناداری سه معیار متغیر مستقل (انسجام و وحدت، مدیریت تسهیلات و نظارت و محرمت) بر متغیر وابسته (حس دل‌بستگی) است و بیشترین تأثیرگذاری را معیار انسجام و وحدت با ضریب بتا ۰/۴۶۲ دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین (R²) نشان می‌دهد حدود ۴۱ درصد از تغییرات، در تأثیر مؤلفه کالبدی فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی شهر تهران بر حس دل‌بستگی ساکنین تبیین می‌شود (جدول ۱۲).

نتیجه‌گیری

دل‌بستگی به مکان، اشاره به علاقه‌ها یا پیوندهای عاطفی مردم به یک مکان خاص دارد و به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط است که فرد را در ارتباطی عاطفی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص است که در این مقاله ساکنین

جدول ۱۰. جدول آزمون رگرسیون. مأخذ: نگارندگان.

متغیر مستقل	Sig	T	ضرایب استاندارد شده	ضرایب غیراستاندارد	متغیر وابسته؛ حس دل‌بستگی به مکان	
		Beta	Std. Error	B		
۱	کالبد	۰/۰۰۰	۶/۳۰۱	۰/۳۱۶	۰/۲۸۳	۰/۰۴۵
					=۰ R Square/۳۱۶	=۰ R/۱۰۰
۲	کالبد	۰/۰۱۲	۲/۵۳۵	۰/۱۶۵	۰/۱۴۸	۰/۰۵۸
					=۰ R Square/۳۶۱	=۰ R/۱۳۱
	ادراک	۰/۰۰۰	۳/۵۷۴	۰/۲۳۲	۰/۱۷۶	۰/۰۴۹

جدول ۱۱. رابطه بین دل‌بستگی به مکان و ویژگی‌های کالبدی $P < 0.05$. مأخذ: نگارندگان.

تعداد	معناداری	ضریب اسپیرمن	عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تقویت حس تعلق به مکان
۳۶۱	...	۳۸۷**	محرمیت
۳۶۱	...	۵۴۵**	انسجام و وحدت
۳۶۱	۰۰۱	۱۷۲**	قابلیت جهت‌یابی و خوانایی
۳۶۱	۰۰۱	۱۷۹**	غنا بصری
۳۶۱	...	۲۰۶**	ترکیب‌بندی و کیفیت کالبدی فضایی
۳۶۱	...	۳۷۷**	مدیریت تسهیلات و نظارت
۳۶۱	...	۲۱۲**	عناصر طبیعی و سبز

جدول ۱۲. رگرسیون خطی - تأثیر مؤلفه کالبدی فضاهاى جمعی مجتمع‌های مسکونی بر حس دل‌بستگی به مکان. مأخذ: نگارندگان.

R2	R	t	معناداری	ضریب بتا	
		۳,۳۸۰	۰۰۱	۱۶۱	محرمیت
		۹,۳۱۰	...	۴۶۲	انسجام و وحدت
	۶۴۲	-۵۷۵	۵۶۶	-۰.۳۲	قابلیت جهت‌یابی و خوانایی
		-۵۶۸	۵۷۰	-۰.۲۴	غنا بصری
		-۱,۲۲۶	۲۲۱	-۰.۸۴	ترکیب‌بندی و کیفیت کالبدی فضایی
۴۱۳ ^a		۳,۳۹۳	۰۰۱	۲۱۶	مدیریت تسهیلات و نظارت
		۹۲۸	۳۵۴	۰.۵۳	عناصر طبیعی و سبز

Dependent Variable: a دل‌بستگی

Predictors: (Constant)

b عناصر طبیعی و سبز، غنا بصری، محرمیت، انسجام، جهت‌یابی و خوانایی، مدیریت تسهیلات و نظارت بر فضا، ترکیب‌بندی و کیفیت کالبدی فضایی

فهرست منابع

- بشارت، محمدعلی؛ کریمی، کیومرث و رحیمی‌نژاد، عباس. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک‌های دل‌بستگی و ابعاد شخصیت. *روانشناسی و علوم تربیتی*، (۳۶)، ۵۵-۳۷.
- بل، سایمون. (۱۳۸۵). *عناصر طراحی بصری معماری منظر*، (ترجمه محمد احمدی‌نژاد). اصفهان: خاک.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۳). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی*، از فضا به مکان. تهران: انتشارات شهیدی.
- پورجعفر، محمدرضا؛ ایزدی، محمد سعید و خبیری، سمانه. (۱۳۹۴). دل‌بستگی مکانی؛ بازشناسی مفهوم، اصول و معیارها، نشریه هویت شهر، ۹(۲۴)، ۶۴-۴۳.
- حاتمی‌نژاد، حسین؛ احمدپور، احمد؛ زیاری، کرامت‌اله و حبیبیان، بهار. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر دل‌بستگی مکانی در راستای تحقق محله پایدار (مطالعه موردی: شهر اهواز)، معماری و شهر

منتخب، بیشترین میانگین به‌دست‌آمده با $2/28$ مربوط به داشتن محرمت (حیطه کالبدی) و کمترین میانگین $2/32$ نیز مربوط به وجود امکان انجام فعالیت‌های متنوع در مکان (حیطه فعالیت) بوده است. همچنین میانگین $2/70$ از ۵ بالاترین میانگین دل‌بستگی ساکنین مجتمع نویسندگان (ردیفی) و میانگین $2/06$ از ۵ کمترین میانگین دل‌بستگی ساکنین مجتمع فردوس (پراکنده) به مجتمع خودشان بوده است. همچنین این تحقیق بیان می‌دارد حس دل‌بستگی به مکان از طریق افزایش کیفیت کالبدی و ایجاد ادراک محیطی که در نهایت موجب شکل‌گیری فعالیت‌های جمعی می‌شود، افزایش می‌یابد. مطمئناً بهبود کالبدی محیطی فضای جمعی موجب ارتقای سطح دل‌بستگی ساکنان و کیفیت زندگی می‌شود.

- پایدار، ۶ (۲)، ۵۴-۶۷.
- چرخچیان، مریم. (۱۳۸۸). بررسی تحلیلی عوامل مؤثر بر افزایش دلبستگی به فضاهای عمومی شهری با تأکید بر تنوع فعالیتی، رساله دکتری معماری، دانشگاه علم و صنعت، ایران.
 - خیبری، سمانه. (۱۳۹۱). تدوین چارچوب طراحی شهری محله‌های شهری با رویکرد ایجاد دلبستگی مکانی نمونه موردی محله امامزاده یحیی تهران، (پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.
 - دانشپور، سید عبدالهادی؛ سپهری مقدم، منصور و چرخچیان، مریم. (۱۳۸۸). تبیین مدل دلبستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه هنرهای زیبا معماری و شهرسازی، (۳۸)، ۴۸-۳۷.
 - رحمدل، منصور. (۱۳۸۴). حق انسان بر حریم خصوصی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، (۷۰)، ۱۱۹-۱۴۶.
 - رحیمی، روح‌اله؛ محمدی، علی و حسن‌زاده داوودی، شکرالله. (۱۳۹۳). الگوی هولوگرافیک در سیر تکاملی شهر (شهر مورد مطالعه: آمل). باغ نظر، ۱۱ (۳۱)، ۸۹-۹۸.
 - صادقی، علیرضا. (۱۳۹۳). تبیین نسبت «حس تعلق» با «زیباشناسی محیطی» در فضاهای عمومی شهر ایرانی- اسلامی، (رساله دکتری منتشر نشده)، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ایران.
 - عینی‌فر، علیرضا و قاضی‌زاده، سیده ندا. (۱۳۸۹). گونه‌شناسی مجتمع‌های مسکونی تهران با معیار فضای باز، نشریه آرمانشهر، (۵)، ۴۶-۳۵.
 - قاضی‌زاده، سیده ندا. (۱۳۹۰). تأثیر طراحی فضای باز مجتمع مسکونی در ایجاد حس دلبستگی به مکان (نمونه موردی: مجتمع‌های مسکونی منتخب شهر تهران)، (رساله دکتری منتشر نشده)، دانشگاه تهران. ایران.
 - محمدی، محمد و آیت‌اللهی، محمد حسین. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی؛ بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان، دو فصلنامه معماری و شهرسازی، (۱۵)، ۱۵-۲۶.
 - مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۴). طراحی فضای شهری، نگرشی به فرایند اجتماعی و مکانی، (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
 - مهدوی‌نژاد، محمدجواد؛ دهقانی، فهیمه و برومند، بهار. (۱۳۹۳). گونه‌شناسی نگرش به فضاهای جمعی در معماری منظر معاصر ایران ۱۳۹۰-۱۳۵۷، اولین کنگره بین‌المللی افق‌های جدید در معماری و شهرسازی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس دانشکده هنر و معماری، ایران.
 - نوربرگ شولتز، کریستیان. (۱۳۸۱). معماری: حضور، زبان و مکان، (ترجمه علیرضا سید احمدیان). تهران: معمار نشر.
 - Altman, I. & Low, S. (1992). *Place Attachment*, New York: Plenum Press.
 - Anton, C. E. & Lawrence, C. (2016). The relationship between place attachments, the theory of planned behavior and residents' response to place change. *Journal of Environmental Psychology*, (47), 145-154.
 - Brown, B., Perkins, D. D. & Brown, G. (2003). Place Attachment in a Revitalizing Neighborhood: Individual and
- Block Levels of Analysis. *Journal of Environmental Psychology*, (23), 259-271.
- Brown, G.; Raymond, C.M. & Corcoran, J. (2015). Mapping and measuring place attachment. *Applied Geography*, (57), 42-53.
 - Cresswell, T. (2015). *Place, an introduction*, London: Wiley Blackwell.
 - Florek, M. (2011). No place like home: perspective on place attachment and impacts on city management. *Journal of town and city management*, 1(4), 346-354.
 - Gehl, J. (1987). *Life between buildings*, New York: Van Nostrand Reinhold Co.
 - Gifford, R. (2002). *Environmental Psychology: Principles and Practice*, Canada: Optimal Books.
 - Green, R. (1999). Meaning and form in community perception of town character, *Journal of Environmental Psychology* (19), 311-329.
 - Gustafson, P. (2001). Meanings of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations. *Journal of Environmental Psychology*, (21), 5-16.
 - Hashas, Mi. H. (2004). *Residents' Attachment to New Urbanist versus Conventional Suburban Developments. PhD Thesis, North Carolina State University*. Hashas, Mine Hatun 2004. Residents' Attachment to New Urbanist versus Conventional Suburban Developments. Unpublished PhD thesis, North Carolina State University, USA.
 - Hernández, J., García, L. & Ayuga, F. (2004). Assessment of the Visual Impact Made on the Landscape by New Buildings: A Methodology for Site Selection. *Journal of Landscape and Urban Planning*, (68), 15-28.
 - Hidalgo, M. C. & Hernandez, B. (2001). Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions. *Journal of Environmental Psychology*, (21), 273-281.
 - Jorgensen, B.S. & Stedman, R.C. (2006). A comparative analysis of predictors of sense of place dimensions: attachment to, dependence on, and identification with lakeshore properties. *Journal of Environmental Management*, 3(14), 316-327.
 - Lawson, B. (2001). *The Language of Space*, London: Butterworth-Heinemann.
 - Lewicka, M. (2008). Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology*, (28), 209-231.
 - Moulay, A., Norsidah, U., Suhardi, M. & Sumarni, I. (2018). Understanding the process of parks' attachment: Interrelation between place attachment, behavioural tendencies, and the use of public place, *City. Culture and Society*, (14), 28-36.
 - Norberg-Schulz, C. (1980). *Genius loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. New York: Rizzoli.

- Norton, B. G. & Hannon, B. (2002). *Democracy and Sense of Place Values in Environmental Policy*. In: LIGHT, ANDREW (ed.) *Environmental Ethics: An Anthology* London; New York, Routledge.
- Ode, Åsa, Fry, Gary, Tveit, Mari Sundli, Messenger, Pernette & Miller, D. (2009). Indicators of Perceived Naturalness as Drivers of Landscape Preference. *Journal of Environmental Management*, (90), 375-383.
- Proshansky, H., Fabian, A.K., Kaminoff, R., (1983). Place identity: physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology* 3, 57-83).
- Ram, Y., Björk, P. & Weidenfeld, A. (2016). Authenticity and place attachment of major visitor attractions. *Tourism Management*, (52), 110-122.
- Relph, E. (1976). Place and placelessness, *Pion Limited*, (29-38), 47-56.
- Scannell, L. & Gifford, R. (2009). Defining Place Attachment: A Tripartite Organizing Framework. *Journal of Environmental Psychology*, (30), 1-10.
- Shamai, S. (1991). Sense of place: an empirical measurement. *Geoforum* 22 (3), 347-358.
- Smith, K.M. (2011). *the Relationship between Residential Satisfaction, Sense of Community, Sense of Belonging and Sense of Place in a Western Australian Urban Planned Community*, Unpublished PhD thesis, Perth, Western Australia: Edith Cowan University.
- Steele, F. (1981). *The sense of place*, Inc: CBI Publishing Company.
- Tuan, Y. F. (1974). *Sense of place: Humanistic perspective*. In C. Board, (Ed.), *Progress in Geography: -International Reviews of Current Research*, London: Edward Arnold Publishers, pp. 211-253.
- Williams, D. R. & Roggenbuck, J.W. (1989). *Measuring Place Attachment: Some Preliminary Results*. Session on Outdoor Planning and Management, San Antonio: NRPA Symposium on Leisure Research. Pore, corendae siminvelique evellupit

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

**نحوه ارجاع به این مقاله:**

رحیمی، روح‌اله؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و مهدوی‌نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۹). ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دل‌بستگی به مکان در فضاهاى جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران. *باغ نظر*, ۱۷(۸۳)، ۱۵-۳۰.

DOI: 10.22034/bagh.2020.185425.4107

URL: http://www.bagh-sj.com/article_105722.html

